

A Legal Analysis of the Effects of Violating the Resolutions of the Money and Credit Council in Banking Contracts

(A Case Study of Civil Partnership Contracts with Unauthorized Interest Rates)

Javad Salemi¹

Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Family Jurisprudence,
Al-Mustafa Open University, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Abstract

This research examines the legal effects of violating the interest rates approved by the Money and Credit Council in banking civil partnership contracts. Emphasizing the Supreme Court's Unified Precedent No. 794, it is argued that the resolutions of this council are of a mandatory nature and related to public economic order. The findings indicate that a clause stipulating an interest exceeding the approved rate is null and void pursuant to Article 232 of the Civil Code due to its illegality; however, this nullity is confined to the clause itself and does not affect the validity of the core contract. This precedent, as an authoritative interpretation of the law, applies retroactively to contracts concluded prior to its issuance, unless a final judgment had already been rendered and executed. Furthermore, based on Article 142 of the Code of Civil Procedure, a claim for the nullity of such a clause does not require filing a separate lawsuit and can be raised as a defensible objection, and the court is obligated to investigate it *ex officio*, even without commissioning an expert opinion. Ultimately, the article emphasizes that while a violation of the approved rate typically results only in the nullity of the specific clause, in cases where the partnership contract is used as a facade for a usurious loan, the entire contract will be void due to its non-conformity with the true intent of the parties and its usurious nature.

Keywords: Banking Contracts, Money and Credit Council, Approved Interest Rate, Illegal Clause, Unified Precedent No. 794, Civil Partnership Contract.

¹. javad_salemi@miu.ac.ir

واکاوی آثار حقوقی تخلف از مصوبات شورای پول و اعتبار در قراردادهای بانکی (مطالعه موردی قراردادهای مشارکت مدنی با نرخ سود غیرمجاز)

جواد سالمی^۱

گروه فقه و اصول، دانشکده فقه خانواده، دانشگاه میجازی المصطفی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

چکیده

این پژوهش به بررسی آثار حقوقی تخلف از نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار در قراردادهای مشارکت مدنی بانکی می‌پردازد. با تأکید بر رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ دیوان عالی کشور، استدلال می‌شود که مصوبات این شورا دارای جنبه آمره و مرتبط با نظم عمومی اقتصادی است. یافته‌ها نشان می‌دهد شرط اخذ سود مازاد بر نرخ مصوب، به دلیل نامشروع بودن، مطابق ماده ۲۳۲ قانون مدنی باطل و بی‌اثر است، ولی این بطلان تنها به خود شرط محدود شده و اصل عقد را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. این رأی، به مثابه تفسیر أصح قانون، به قراردادهای منعقد پیش از تاریخ صدور خود نیز تسری می‌یابد، مگر آنکه رأی قطعی قبلاً صادر و اجرا شده باشد. همچنین، با استناد به ماده ۱۴۲ قانون آیین دادرسی مدنی، ادعای بطلان این شرط نیاز به طرح دعوی تقابل نداشته و به عنوان یک دفاع قابل اعتراض است و دادگاه با توجه به امری بودن مقررات، مکلف به رسیدگی به آن حتی بدون ارجاع کارشناسی است. در پایان، مقاله تأکید می‌کند که اگرچه تخلف از نرخ مصوب معمولاً تنها به بطلان شرط می‌انجامد، اما مواردی که قرارداد مشارکت به عنوان پوششی برای قرض ربوی مورد استفاده قرار گیرد، کل عقد به دلیل عدم انطباق با قصد واقعی طرفین و ربوی بودن باطل خواهد بود.

کلمات کلیدی: قراردادهای بانکی، شورای پول و اعتبار، نرخ سود مصوب، شرط نامشروع، رای وحدت رویه ۷۹۴، قرارداد مشارکت مدنی.

مقدمه

نظام بانکی و اعتباری کشور به عنوان موتور محرک اقتصاد، نیازمند ضوابط و مقرراتی دقیق و یکپارچه است تا از یکسو امنیت حقوقی طرفین معامله را تأمین کند و از سوی دیگر، اهداف کلان اقتصادی را محقق سازد. به همین منظور، قانونگذار با تاسیس کردن «شورای پول و اعتبار» به عنوان رکن اصلی بانک مرکزی، وظیفه تعیین و نظارت بر سیاست‌های کلی پولی و بانکی، از جمله تعیین نرخ سود تسهیلات و سپرده‌ها را به این نهاد سپرده است (ماده ۱۸ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱). مطابق مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور، مصوبات این شورا دارای جنبه آمره بوده و تخلف از آنها برای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، مستلزم ضمانت‌اجراهای پیش‌بینی‌شده در قانون (مانند ماده ۴۴ همان قانون) است. با این وجود، در عمل شاهد بروز اختلافات فراوانی بین بانک‌ها و مشتریان هستیم که مرکزیت آن حول محور انعقاد قراردادهای اعطای تسهیلات، به ویژه در قالب عقد مشارکت مدنی، با نرخ سودی فراتر از سقف مصوب شورای پول و اعتبار است. این پدیده، پرسش‌های بنیادین و پیچیده‌ای را در عرصه حقوق قراردادهای و حقوق بانکی ایجاد کرده است. رویه قضایی کشور نیز با توجه به اهمیت و تعدد این پرونده‌ها، با صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۱، سعی در ایجاد وحدت رویه و ارائه راهکاری برای این معضل داشته است.

اگرچه این رأی به صراحت «سود مازاد بر مصوبات» را باطل اعلام کرده، اما اجرا و تفسیر آن در بستر پرونده‌های واقعی، خود موجب طرح مسائل فرعی و مهم دیگری شده است. از جمله این که دامنه شمول این رأی نسبت به قراردادهای منعقد شده پیش از تاریخ صدور آن چگونه است؟ آیا دادگاه به صورت دادگاه مکلف است حتی بدون ایراد خواننده، قرارداد را از این حیث بررسی کند؟ و مهم‌تر از آن، آیا بطلان ناشی از این تخلف، تنها محدود به شرط سود است یا می‌تواند کل عقد مشارکت مدنی را تحت تأثیر قرار دهد؟ به ویژه زمانی که ادعا شود ماهیت واقعی معامله قرض بوده و عقد مشارکت تنها پوششی برای اخذ سود بیش از حد مجاز است.

این پژوهش با هدف تحلیل جامع این چالش‌ها و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، در پی آن است تا با تبیین مبانی فقهی و حقوقی حاکم بر مصوبات آمره، نظم عمومی اقتصادی و قواعد عمومی قراردادهای (به ویژه مواد ۱۹۰، ۲۱۶ و ۲۳۲ قانون مدنی)، به واکاوی آثار حقوقی تخلف از نرخ سود مصوب در قراردادهای مشارکت مدنی بانکی بپردازد و پاسخ‌های حقوقی منسجمی برای پرسش‌های فرعی پیش‌گفته ارائه نماید. یافته‌های این تحقیق می‌تواند علاوه بر روشن‌سازی موضع قانونی برای وکلاء، قضات و حقوقدانان، به کاهش اختلافات و ایجاد رویه‌ای واحد در دادگاه‌ها کمک شایانی کند.

تحلیل حقوقی آثار تخلف از نرخ سود مصوب در قراردادهای بانکی

شورای پول و اعتبار یکی از ارکان بانک مرکزی محسوب می شود که وظیفه مطالعه و اتخاذ تصمیم درباره سیاست های کلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و نظارت بر امور پولی و بانکی کشور را برعهده دارد (ماده ۱۸ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱). اهمیت این شورا به گونه ای است که اداره امور بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون پولی و بانکی و مصوبات شورای پول و اعتبار صورت می گیرد. از سوی دیگر، شورای پول و اعتبار موظف است نرخ سود علی الحساب سپرده های یک ساله را حداقل به میزان میانگین نرخ تورم سال قبل و پیش بینی سال مورد عمل تعیین نماید. نرخ سود تسهیلات متناسب با نرخ سود سپرده ها و سود مورد انتظار بانک ها توسط شورای پول و اعتبار تعیین می شود؛ بنابراین، یکی از وظایف شورای پول و اعتبار تعیین نرخ سود تسهیلات و نرخ سود سپرده ها می باشد. مصوبات شورای پول و اعتبار در حکم قانون بوده و بانک ها و مؤسسات مالی مکلف به اجرای آن می باشند. به عبارت دیگر، مطابق مصوبات مذکور، قانون گذار اخذ سود مازاد بر نرخ مصوب را مجاز ندانسته و فاقد مشروعیت قانونی است. در نتیجه کلیه بانک ها موظفند مصوبات این شورا را در قراردادهای خود لحاظ کنند در غیر این صورت طبق ماده ۴۴ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ با آنها رفتار خواهد شد. در این ماده آمده است: «تخلف از سایر مقررات این قانون و آیین نامه های آن و دستورات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، که به موجب این قانون یا آیین نامه های آن صادر می شود، موجب مجازات های انتظامی زیر خواهد بود: ۱. تذکر کتبی به مدیران یا متصدیان متخلف؛ ۲. پرداخت مبلغی روزانه تا حداکثر دویست هزار ریال برای ایام تخلف؛ ۳. ممنوع ساختن بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی از انجام بعضی امور بانکی به طور موقت یا دائم.».

بررسی بطلان قرارداد در صورت که بیشتر از سود نرخ مصوب

در تحلیل این پرسش که آیا در صورت مقرر شدن نرخ سود بیشتر از نرخ مصوب شورای پول و اعتبار در قرارداد مشارکت، کل قرارداد باطل است یا تنها سود مازاد، باید به مقررات قانونی و رویه قضایی استناد نمود. بر اساس ماده ۳۷ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، بانک ها مکلف به رعایت مقررات این قانون و دستورهای بانک مرکزی هستند. بنابراین، تخلف از مصوبات شورای پول و اعتبار که مطابق مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۴ همان قانون دارای ویژگی الزام آور است، ضمانت اجرای قانونی به همراه دارد.

مطابق بند ۳ ماده ۲۳۲ قانون مدنی، شروط نامشروع باطل هستند ولی باعث بطلان عقد نمی شوند. دیدگاه اکثر حقوقدانان نیز تأیید می کند که مفهوم «نامشروع» شامل خلاف قانون، خلاف نظم عمومی و خلاف اخلاق حسنه می باشد (ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر بنیاد حقوقی میزان، چاپ بیستم، صفحه ۲۲۱؛ حمید بهرامی احمدی، کلیات عقود و قراردادها، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱،

صفحه ۱۹۳). همچنین مواد ۹۷۵ و ۱۲۹۵ قانون مدنی و ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی بر این اصل تأکید دارند.

بنابراین، شرطی که مخالف قانون باشد، باطل خواهد بود، اما این بطلان تنها به خود شرط محدود شده و اصل عقد را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. به عبارت دیگر، هنگامی که طرفین شرطی را در قرارداد می‌گنجانند که از نظر قانونی غیرممکن است، این امر نشان‌دهنده عدم علاقه آنان به آن شرط بوده و تنها خود شرط باطل می‌شود (منصور عدل، حقوق مدنی، خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۹، صفحه ۱۴۲).

علاوه بر این، رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ مورخ ۲۱/۰۵/۹۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور به صراحت مقرر می‌دارد که شرط درج شده در قرارداد اعطای تسهیلات بانکی نسبت به سود مازاد بر مصوبات شورای پول و اعتبار باطل است. این رأی بر اساس مواد ۱۰، ۱۱، ۱۴ و ۳۷ قانون پولی و بانکی کشور و ماده ۲۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا صادر شده و بر ویژگی الزام‌آور مصوبات بانک مرکزی تأکید کرده است.

همچنین، بخشنامه شماره ۰۰۰۹/۶۷۷۰۱/۱۰۰ مورخ ۹۹/۰۴/۲۱ ریاست قوه قضائیه نیز بر این امر تصریح دارد که قراردادهای بانکی تنها تا حدی که مغایر با مصوبات نباشند معتبر بوده و دادگاه‌ها نباید بیش از نرخ مصوب حکم صادر کنند.

بر این اساس، تنها سود مازاد بر نرخ مصوب باطل و بی‌اثر است و اصل قرارداد به قوت خود باقی می‌ماند. دلیل این امر آن است که اخذ سود مازاد نه تنها مخالف قانون است، بلکه به عنوان یک شرط نامشروع فاقد اثر حقوقی بوده و توافق طرفین نیز نمی‌تواند به آن اعتبار بخشد. بنابراین، دادگاه‌ها باید بدون نیاز به طرح دادخواست تقابل، این شرط را باطل اعلام کرده و تنها سود قانونی را محاسبه کنند.

شمول زمانی رأی وحدت رویه نسبت به قراردادهای سابق

در پاسخ به این پرسش که آیا رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ شامل قراردادهای منعقد شده پیش از تاریخ صدور این رأی می‌شود یا خیر، باید به ماهیت حقوقی آرای وحدت رویه و مقررات مربوط توجه نمود. بر اساس موازین حقوقی و رویه قضایی، آرای وحدت رویه نه تنها ناظر بر قراردادهای آینده بوده، بلکه نسبت به قراردادهای سابق نیز شمول دارد. دلیل این امر آن است که رأی وحدت رویه به مثابه تفسیر اصح قانون بوده و کشف نظر واقعی قانونگذار محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، این آراء قاعده جدیدی ایجاد نمی‌کنند، بلکه تنها تفسیر صحیح‌تری از قانون ارائه می‌دهند که همواره وجود داشته است. بنابراین، علی‌الأصول باید طبق رأی وحدت رویه نسبت به کلیه پرونده‌های در حال رسیدگی عمل نمود، حتی اگر قرارداد مربوط به قبل از تاریخ صدور رأی باشد.

مستندات این دیدگاه عبارتند از:

۱. نظریه مشورتی شماره ۷۶۹/۹۹/۷ مورخ ۰۱/۰۷/۱۳۹۹ اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه که صراحتاً بیان می‌دارد: «این رأی از آنجا که تفسیر قانون محسوب می‌شود، بنابراین شامل قراردادهای منعقدۀ پیش از تاریخ رأی وحدت رویه مذکور نیز می‌شود.»

۲. صورت جلسه نشست قضائی مورخ ۲۵/۰۶/۱۳۹۷ که مقرر می‌دارد: «رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور تفسیر اصح از قانون بوده و برای مراجع قضائی لازم‌الاتباع است و لذا نسبت به کلیه پرونده‌های جریانی و در تمامی مراحل دادرسی تا قبل از اجرای کامل آرا قابل تسری و اعمال است.» (منبع: <https://www.neshast.org/Home/GetPublicJSession>)

با این وجود، این شمول زمانی دارای یک قید مهم است: اعتبار امر مختومه. مطابق ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اگر درباره قراردادی پیش از صدور رأی وحدت رویه، حکم قطعی صادر و اجرا شده باشد، به دلیل قاعده اعتبار امر مختومه، دیگر نمی‌توان بر اساس رأی وحدت رویه جدید در آن دخالت کرد، مگر در مواردی که امکان اعاده دادرسی وجود داشته باشد. بنابراین، جمع‌بندی نهایی به این شرح است:

رأی وحدت رویه نسبت به کلیه پرونده‌های در جریان رسیدگی، صرف نظر از تاریخ انعقاد قرارداد، قابل اعمال است. نسبت به آراء قطعی شده و اجرا شده پیش از تاریخ صدور رأی وحدت رویه، به دلیل قاعده اعتبار امر مختومه، امکان تجدید نظر وجود ندارد.

در مواردی که رأی قطعی پیشین با استفاده از اختیارات قانونی (مانند اعاده دادرسی) نقض شود، در رسیدگی جدید باید رأی وحدت رویه ملاک عمل قرار گیرد. این رویکرد همسو با اصول حقوقی و تضمین‌کننده امنیت قضائی و ثبات روابط حقوقی است.

لزوم طرح دادخواست تقابل و تکلیف دادگاه به رسیدگی خودجوش

در خصوص این پرسش که آیا با فرض بطلان قسمتی از قرارداد، نیاز به طرح دادخواست تقابل وجود دارد یا دادگاه مکلف به بررسی خودجوش است، باید به مقررات آیین دادرسی مدنی و اصول حاکم بر دادرسی استناد نمود.

بر اساس ماده ۱۴۲ قانون آیین دادرسی مدنی، «دعوی متقابل به موجب دادخواست اقامه می‌شود. اما دعاوی تهاتر، صلح، فسخ، رد خواسته و امثال آن که برای دفاع از دعوی اصلی اظهار می‌شود، دعوی متقابل محسوب نمی‌شود و نیاز به تقدیم دادخواست جداگانه ندارد». ادعای بطلان شرط سود مازاد نیز از جمله دفاعیات محسوب می‌شود که وجود آن منوط و وابسته به ادعای اصلی خواهان (بانک) است. بنابراین، خواننده می‌تواند این ادعا را در قالب لایحه دفاعی مطرح نماید و نیاز به تقدیم دادخواست تقابل ندارد.

از سوی دیگر، با توجه به آمره بودن مقررات ناظر بر نرخ سود مصوب و ارتباط آن با نظم عمومی اقتصادی، دادگاه حتی در صورت عدم ایراد صریح خواننده، مکلف به بررسی صحت قرارداد از این حیث است. این تکلیف ناشی از:

ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی که دادگاه را موظف به کشف حقیقت و اتخاذ تصمیم عادلانه می‌نماید.
ماده ۶ همان قانون که مقرر می‌دارد: «دادگاه نمی‌تواند به استناد قانونی که طرفین دعوا به آن استناد نکرده‌اند، حکم صادر کند مگر در مواردی که قانون مربوط به نظم عمومی باشد.»
بر این اساس، با توجه به آمره بودن مصوبات شورای پول و اعتبار (مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور)، دادگاه مکلف است حتی بدون درخواست خواننده، قرارداد را از حیث انطباق با نرخ مصوب بررسی نموده و در صورت لزوم، از ابزارهای قانونی نظیر ارجاع به کارشناسی برای تعیین میزان سود قانونی استفاده کند (علی عباس حیاتی، شرح قانون آیین دادرسی مدنی، انتشارات سلسبیل، تهران، چاپ دوم ۱۳۸۵، ص ۷). این رویکرد تضمین‌کننده اجرای صحیح قوانین آمره و حفظ نظم عمومی اقتصادی است.

تحلیل عبارت «غیرنافذ و قابل ابطال» و نسخه‌نهایی رأی وحدت رویه

عبارت «غیرنافذ و قابل ابطال» در نسخه اولیه رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ مورخ ۲۱/۰۵/۹۹ وجود داشت (منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی دیوان عالی کشور، قابل دسترسی در: <https://rrk.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=22310>). لیکن پس از کشف اشتباه حقوقی، این عبارت از متن رأی حذف شد و نسخه‌نهایی تنها به «بطالان» شرط سود مازاد اشاره دارد. برای درک دقیق این اصلاح، لازم است تفاوت میان دو مفهوم «بطالان» و «عدم نفوذ» در حقوق مدنی تبیین گردد.
تمایز میان «بطالان» و «عدم نفوذ» از اهمیت بسزایی برخوردار است (ماده ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مدنی). «بطالان» به معنای بی‌اعتباری ذاتی و عدم تولید هرگونه اثر حقوقی از ابتدای انعقاد قرارداد است. شرط باطل به طور مطلق بی‌اثر بوده و هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند آن را اجرا یا تنفیذ کند. در مقابل، «عدم نفوذ» به وضعیتی اشاره دارد که قرارداد یا شرط آن تا زمانی که توسط مرجع صلاحیت‌دار یا شخص ذی‌نفع تنفیذ نشود، فاقد اثر است.

علت حذف عبارت «غیرنافذ و قابل ابطال» از متن رأی وحدت رویه به ماهیت مصوبات شورای پول و اعتبار بازمی‌گردد (مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱). این مصوبات، به دلیل ارتباط با نظم عمومی اقتصادی، دارای نقش آمره هستند. بنابراین، هر شرط مغایر با این مصوبات نه تنها «غیرنافذ» نیست، بلکه به طور مطلق باطل است. عبارت «غیرنافذ و قابل ابطال» ممکن است این توهّم را ایجاد کند که شرط مذکور قابل تنفیذ یا اجراست، در حالی که مطابق قانون پولی و بانکی، چنین شرطی اساساً فاقد اعتبار است.

متن اصلاح شده رأی وحدت رویه به صراحت مقرر می‌دارد: «شرط مندرج در قرارداد اعطای تسهیلات بانکی نسبت به سود مازاد بر مصوبات مذکور باطل است» (رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ مورخ ۲۱/۰۵/۹۹). این عبارت به وضوح بر بطلان مطلق شرط سود مازاد دلالت دارد و هیچ وجهی برای تنفیذ یا اجرای آن باقی نمی‌گذارد.

جمع‌بندی نهایی آن که حذف عبارت «غیرنافذ و قابل ابطال» نشان‌دهنده دقت نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور در انطباق رأی با موازین قانونی است. مطابق رأی نهایی، شرط اخذ سود مازاد نه تنها غیرنافذ نیست، بلکه به طور مطلق باطل بوده و هیچ اثر حقوقی ندارد. این رویکرد با مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مدنی و نیز اصول حاکم بر قوانین آمره کاملاً همسو است.

دامنه شمول بطلان قراردادهای مشارکت مدنی و بررسی سایر جهات بطلان

در بررسی این پرسش که آیا بطلان قرارداد مشارکت مدنی تنها ناظر به عدم رعایت مصوبات شورای پول و اعتبار است یا می‌تواند شامل سایر جهات قانونی نیز شود، باید به اصول کلی حاکم بر قراردادها و موازین خاص مشارکت مدنی توجه نمود. قرارداد مشارکت مدنی، همانند سایر عقود، تابع شرایط عمومی صحت مندرج در ماده ۱۹۰ قانون مدنی است (قانون مدنی ایران، ماده ۱۹۰). بنابراین، هرگونه نقض این شرایط می‌تواند موجب بطلان کلی قرارداد شود، نه صرفاً بطلان شرط خاصی مانند نرخ سود. به ویژه، اگر خواننده بتواند اثبات کند که قصد واقعی طرفین انعقاد عقد قرض بوده و قرارداد مشارکت صرفاً به عنوان پوششی برای اخذ ربا استفاده شده است، کل قرارداد به دلیل غیر واقعی بودن (صوری بودن) و نیز ربوی بودن باطل خواهد بود (مواد ۲۱۰ و ۲۱۵ قانون مدنی).

عقد مشارکت مدنی دارای شرایط اختصاصی است که در مواد ۵۷۱ تا ۶۰۶ قانون مدنی پیش‌بینی شده است. مطابق ماده ۵۷۱ قانون مدنی، شرکت مستلزم «اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیئی واحد به نحو اشاعه» است. اگر بانک تنها به انتقال مبلغ اکتفا کند و هیچ گونه مشارکت در مال یا سرمایه محقق نشود، عقد از اساس باطل است. در خصوص مضاربه (مواد ۵۴۶ به بعد قانون مدنی)، شرط تعیین سود ثابت قطعی (مانند ۱۸٪ بر سرمایه) برای هریک از طرفین، مخالف ذات عقد مضاربه است که مبتنی بر مشارکت در سود احتمالی است. چنین شرطی، عقد را از ماهیت مضاربه خارج و به قرض ربوی تبدیل می‌کند که باطل است (ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی - مشارکها - صلح عقود معین ۲، نشر گنج دانش، چاپ ششم ۱۳۸۳، ص ۱۸؛ محقق حلی، المختصر النافع، ج ۱، ص ۱۴۵).

با وجود امضای قرارداد، اگر خواننده بتواند ادعای خود مبنی بر عدم قصد انعقاد عقد مشارکت را با ادله معتبر اثبات کند، دادگاه می‌تواند با استناد به قاعده تفسیر قراردادها بر اساس قصد واقعی طرفین (ماده ۲۲۴ قانون مدنی) و نیز قاعده عدم جواز پوشش اعمال حقوقی، قرارداد را باطل اعلام نماید.

در مورد خاص تعیین نرخ سود ۱۸٪ بر سرمایه در مضاربه، این شرط نه تنها مخالف مصوبات بانکی است، بلکه به دلیل مغایرت با ذات عقد مضاربه (ماده ۵۴۷ قانون مدنی) و نیز ربوی بودن، موجب بطلان کل عقد می شود، نه صرفاً بطلان شرط.

نتیجه گیری

این پژوهش با واکاوی آثار حقوقی تخلف از نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار در قراردادهای مشارکت مدنی بانکی، به نتایج ذیل دست یافته است:

اولاً، مصوبات شورای پول و اعتبار در خصوص نرخ سود، با توجه به جایگاه قانونی این نهاد و تصریح مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۴ قانون پولی و بانکی، دارای جنبه آمره و مرتبط با نظم عمومی اقتصادی است. هرگونه شرط یا توافق که مغایر با این مصوبات باشد، به موجب ماده ۲۳۲ قانون مدنی و رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، باطل و بی اثر است. با این حال، این بطلان، محدود به شرط سود مازاد بوده و اصل عقد را تحت تأثیر قرار نمی دهد، مگر آنکه قصد طرفین، انعقاد عقدی دیگر (مانند قرض ربوی) تحت پوشش قرارداد مشارکت باشد.

ثانیاً، رأی وحدت رویه مذکور، به مثابه تفسیر أصح قانون، عطف به ماسبق می شود و کلیه قراردادهای منعقدۀ پیش از تاریخ صدور رأی را نیز در بر می گیرد، مگر آنکه حکم قطعی قبلاً صادر و اجرا شده باشد. در این صورت، قاعده اعتبار امر مختومه مانع از تجدید نظر خواهد شد.

ثالثاً، با توجه به آمره بودن مقررات، دادگاه مکلف است حتی بدون ایراد صریح خواننده، قرارداد را از حیث انطباق با نرخ مصوب بررسی نماید. ادعای بطلان شرط سود، ماهیتاً یک دفاع محسوب شده و نیاز به طرح دادخواست تقابل ندارد. دادگاه می تواند برای تعیین میزان سود قانونی، از اختیارات قانونی مانند کارشناسی بهره گیرد.

رابعاً، در مواردی که قرارداد مشارکت مدنی به عنوان یک قرارداد صوری (Simulated Contract) برای پنهان کردن یک عقد قرض ربوی مورد استفاده قرار گیرد، نه تنها شرط سود، بلکه کل عقد به دلیل عدم انطباق قصد باطنی با قصد اظهار شده و نیز ربوی بودن، باطل خواهد بود. در چنین مواردی، دادگاه باید با استفاده از ادله اثباتی به قصد واقعی طرفین پی برده و آثار حقوقی آن را اعمال نماید.

در خاتمه، می توان گفت که رویه قضایی فعلی با درک ضرورت حفظ نظم عمومی در نظام بانکی، رویکردی متعادل را در پیش گرفته است: از یک سو با ابطال سود مازاد، از مشتریان در برابر سوء استفاده بانک ها حمایت می کند و از سوی دیگر، با حفظ اصل عقد، به ثبات قراردادهای امنیتی اقتصادی احترام می گذارد. با این وجود، تشخیص مواردی که قرارداد جنبه صوری دارد، نیازمند دقت نظر و بررسی عمیق قضات در انگیزه و قصد واقعی متعاملین دارد.

منابع

- بهرامی احمدی، ح. (۱۳۸۱). کلیات عقود و قراردادها (چاپ اول). نشر میزان.
- حیاتی، ع.ع. (۱۳۸۵). شرح قانون آیین دادرسی مدنی (چاپ دوم). انتشارات سلسبیل.
- عدل، م. (۱۳۸۹). حقوق مدنی (چاپ اول). خرسندی.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۳). حقوق مدنی - مشارکتها - صلح عقود معین ۲ (چاپ ششم). نشر گنج دانش.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۹۷). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. نشر بنیاد حقوقی میزان.
- محقق حلی، ن.ج. (۱۴۱۰ ق). المختصر النافع (چاپ سوم). مطبوعات دینی.

منابع الکترونیکی

پایگاه اطلاع رسانی دیوان عالی کشور. (بی تا). قوانین قضایی. بازیابی شده از

<https://rrk.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=22310>

صفحه اصلی. (بی تا). بازیابی شده از

<https://www.neshast.org/Home/GetPublicJSession>